

به نام خدا

# درهٔ تون و مرگ

(حماسه دلیران بویراحمد از دورگ مدوتاتنگ نامرادی)

سرشناسه: محمدی، ابراهیم، ۱۳۳۱.  
عنوان و نام پدیدار: دره خون و مرگه حماسه دلیران بویراحمد از دورگ منو تا تنگ تامرادی / مولف ابراهیم محمدی.

مشخصات نشر: یاسوج، چویل، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ ص: - مصور(رتنگ).

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۹۸-۵۶-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: حماسه دلیران بویراحمد از دورگ منو تا تنگ تامرادی.

موضوع: کی لهراس

موضوع: ایلات و عشایر - ایران - کهگیلویه و بویراحمد - جنبش ها و قیام ها.

موضوع: ایلات و عشایر - ایران - کهگیلویه و بویراحمد - وضع سیاسی و اجتماعی.

موضوع: کهگیلویه و بویراحمد

موضوع: ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۲۰۲-۱۲۵۷ - جنبش ها و قیام ها.

رده بندی کنگرمد: ۱۳۹۰ / ۲۱۱۵ DSR

رده بنده دیوبند: ۶۵-۶۲/۹۵

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۵۴۸۷۲



دره خون و مرگ

مؤلف: ابراهیم محمدی

ناشر: چویل ۱۳۹۰

قطع: رقعی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

صفحات: ۱۵۵ صفحه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۹۸-۵۶-۷

قیمت: ۳۲۰۰ تومان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	مقدمه
۱۳	دلیران بویراحمد
۲۴	جنگ تنگ تامرادی
۴۳	شبیخون اردکان فارس
۷۳	شورش عشایر فارس
۸۷	هدف نیروهای قشایی و بختیاری از شرکت در جنگ
۱۱۸	مطالبی شنیدنی درباره کی لهراس
۱۳۳	تصاویر

در جنوب غربی ایران در بین استان های فارس، اصفهان، چهارمحال و بختیاری، خوزستان و بوشهر منطقه ای است که به نام کهگیلویه و بویراحمد شناخته شده است. این استان به ظاهر کوچک ناحیه ای است کوهستانی که همچون مردمان آن طبیعتی خشن دارد. رشته کوه زاگرس در این منطقه گره خورده و ارتفاعات بلندی را به وجود آورده است که قله دنا با ارتفاع ۴۴۰۹ متر در آن واقع گردیده است.

رودهای متعدد و چشمه های فراوانی در این منطقه کوهستانی وجود دارد، به طوری که سرشاخه های رودهای پر آب کارون و زهره و مارون از این استان می باشد.

به علت کوهستانی بودن، این ناحیه دارای تنوع آب و هوایی زیادی است ولی در مجموع دارای دو ناحیه آب و هوایی است.

ناحیه گرمسیری که در مجاورت استان های بوشهر و خوزستان واقع گردیده و دارای آب و هوای خشک و نیمه خشک می باشد. این منطقه از قدیم الایام منطقه قشلاق عشایر کوچ روی این منطقه بوده است.

ناحیه سردسیری که در مجاورت استانهای فارس و اصفهان و چهارمحال و بختیاری واقع گردیده، دارای آب و هوای معتدل کوهستانی است و همواره منطقه بیلاق عشایر بوده است. قسمت عمده ای از استان

را جنگل های تنک و مراتع در بر می گیرند. این جنگل ها بیشتر شامل بلوط، بنه، زال زالک و انجوجک می باشد.

این استان همواره محل زیست ایل های بویراحمدی، طیبی، بهمئی، دشمن زیاری، بابوئی، و چرامی بوده است. ابتدا اشتغال اصلی این مردم دامپروری بوده که به تدریج توأم با کشاورزی گردیده و در حال حاضر فعالیتهای کشاورزی افزایش قابل ملاحظه ای یافته و در عوض به علت افزایش جمعیت منطقه و در نتیجه تخریب قسمت های وسیعی از مراتع از یک طرف و نیز تحولات اجتماعی و فرهنگی از طرف دیگر فعالیت های دامپروری به صورت کوچ روی کاهش یافته است.

به وضوح می توان گفت که در نیم قرن اخیر تحولات وسیعی در وضعیت این مردمان به وجود آمده است، از جمله می توان به کاهش جمعیت کوچ و سکنی گزیدن این افراد در روستاها یا در شهرهای استان، فروپاشی نظام خانی، گرایش هر چه بیشتر مردم به تحصیل، اشاره نمود. مردمان این منطقه مردمانی سلحشور و غیرتمند هستند و نگرشی به تحولات گذشته این منطقه نشان دهنده سرسختی، صلابت و شهامت این مردمان است. استعداد سرشار اغلب مردمان این خطه از کشور خود موهبتی است الهی که به آنان ارزانی داشته و آنها را در برابر حوادث و رویدادها مردمانی مقاوم و پایدار ساخته است. سادگی و صداقت و عاطفه از خصوصیات بارز این مردمان است و در گذشته قوانین و مقررات اجتماعی این ها از کارائی بالائی در حل مشکلات اجتماعی آنان برخوردار

بوده است، قوانینی که هرگز در هیچ کتابی نوشته نشده اما هر فردی خود را موظف به رعایت آن می دانست.

مردم این منطقه مسلمان و شیعه دارای عقاید خالص و سالم مذهبی هستند، به طوری که ارزش های دین مبین اسلام در ساختار اجتماعی و فرهنگی آنان نقش بسیار مهمی داشته و دارد. دعا و نیایش آنان اگر چه ساده است ولی از روی خلوص نیت و صفای باطن می باشد. با بررسی در زندگی این مردم در گذشته های نه چندان دور به حماسه هایی بر می خوریم که جای بسی تأمل دارد. آنها با خوردن نان بلوط و زندگی در میان کوههای سر به فلک کشیده لحظه ای از تلاش دور نماندند. برای شلخت یک جامعه می بایست به آداب و رسوم و سنن و به اشعار و به هر چیزی که به نحوی از انحاء به زندگی آنها مربوط می شود از جمله حوادث گذشته در زندگی آنها توجه کرد.

علل عمده قیام این مردمان در دوران های ستمشاهی به خصوص در برابر حکومت رضاشاه ظلم و ستمی بود که از طرف این حکومت ها بر این مردمان پاک سرشت و غیور و تلاشگر وارد می شده است. این حکومت ها بر این مردمان پاک سرشت که جد اندر جد آزاد طی عمر کرده بودند و با استبداد هیچ گونه سازگاری نداشته و ندارند تاختند و کشتند اما هرگز پیروز نشدند. حکومتگران زورگو هرگز نتوانستند یا نخواستند به خصلت این مردم پی ببرند بلکه همواره سعی داشتند با تحقیر و آزار آنها را به بند بکشانند. حاصل این فشارها تولد قهرمانانی بوده که اگر چه به خاطر شرایط اجتماعی آن روز گمنام ماندند

اما در حقیقت انسان هایی بزرگ بوده اند، انسان هایی شریف و غیرتمند که برای دفاع از قوم و ایل و تبار خویش مردانه جنگیدند و مردانه جان باختند.

یکی از ویژگی های عمده این افراد پایبندی آنها به مقدسات مذهبی بود، آنان مسلمانانی واقعی بودند که تمام قراردادهای اجتماعی خود را بر اساس سوگند به قرآن کریم و امامان و امامزاده ها رسمیت می بخشیدند. آنان انسانهای شرافتمندی بودند که برای روحانیت و زنان و اطفال آروشی والا قائل بوده اند به طوری که در سخت ترین جنگ ها هر گاه یک نفر روحانی واسطه می شد جنگ را متوقف می کردند و تن به مصالحه می دادند. زنان در روابط اجتماعی جایگاه مقدسی داشتند. چارقد یک زن (روسری مخصوص زنان لر) واسطه ای برای پایان دادن به درگیری بین دو فرد یا دو ایل و یا دو طایفه بود.

آن چه را در این تحریریه تحت عنوان جنگ (مدو و جنگ تامرادی) می خوانید در حول محور سرگذشت یک قهرمان گمنام اما شرافتمند و خستگی ناپذیر به نام کی لهراس (کی لهراس یا کی لهراسب) دور می زند. قهرمانی که در دوران قلدرترین حکمران زمان خود در مسیر قیامی مردمی و بزرگ باعث شگفتی و حیرت فراوان گردید. او در یک خانواده روستائی در بویراحمد به دنیا آمد و در دوران جوانی مانند هر جوان عشایری و روستائی در آن زمان با تفنگ و کوهستان خو گرفت. او می دید که مأمورین دولتی چگونه به روستائیان و عشایر ساده دل ظلم و ستم می کنند، آنان را تحقیر می کنند، کتک می زنند، اموالشان را غارت

می کنند. می دید که نه به بیگانه وابسته بودند، نه سودای عصیانگری در سر داشتند، ولی گناهشان این بود که هر گاه مردم یک قوم یا قبیله یا طایفه یا ملت مورد تحقیر و تمسخر قرار گیرد و فرهنگ و آداب و رسوم و مذهب آنان به هیچ انگاشته شود چیزی که از اهداف اصلی حکومت های ایران به خصوص از دوران قاجار تا طلوع پیروزی انقلاب اسلامی بوده حاصلی جز طغیان آن مردم نخواهد داشت. بدین سان کی لهراس حاصل طغیان و تماد مردم بویراحمد در یکی از این دوره ها بود. وقایع طی سال های ۱۳۰۹-۱۳۰۶ اتفاق افتاد. بعضی از کسانی که در این مورد مطالبی مختصر نوشته اند یا به منابع بیشتر دسترسی نداشته اند و یا عظمت واقعه را خوب درک نکرده اند. در این مکتوب با بررسی روایاتی که از این واقعه های تاریخی و از کسانی که خود در آن زمان در متن جریانات بوده اند شنیده شده است سعی وافر شده که آنچه را به واقعیت نزدیکتر است بیان شود. آنچه مسلم است این است که کی لهراس قهرمانی شرافتمند و آزاده بود که برای دفاع از مردم و جلوگیری از ظلم و ستم رضا شاه قیام کرد و در اندک مدتی اکثریت مردم منطقه به او پیوستند این قهرمان را حتی در یکی از جنگ های او (جنگ تامرادی) هنگامی که نیروهای دولتی را گام به گام از اردکان فارس (سپیدان) از راههای صعب العبور و کوهستانی به دنبال خود می کشاند و در مواقع مناسب به آنها شبیخون می زد و یا در روز روشن تا قلب نیروهای دولتی پیش می رفت و به آنان تلفات وارد می کرد تا روحیه آنان را تضعیف کند و نهایتاً آنان را برای شکست نهایی در تنگ تامرادی آماده سازد می توان شناخت، به خصوص



او می داند که اگر ایل (پیرمردان، زنان و کودکان همراه گله های گوسفند و اسب) به دست نیروهای دولتی بیفتند از آن به عنوان گروگان استفاده خواهند کرد. تا او و نیروهایش را تحت فشار قرار دهند و وادار به تسلیم نمایند. لذا با یک برنامه ریزی دقیق ترتیبی اتخاذ می کند که ایل جلوتر از او و چریکهایش در حرکت باشند و آنگاه در منطقه دشتروم یک انتخاب دیگر انجام می دهد. ایل را به طرف دم سپیدار می فرستد و خود و نیروهایش به طرف تنگ تامرادی می روند تا بدین صورت نیروهای دولتی را به دنبال خود بکشاند و ایل از تعقیب و تعرض مصون بمانند. بی شک کشت و کشتار مردم این سرزمین بدست همدیگر برای هیچ مسلمان ایرانی خوشایند نبوده و نیست و تنها مایه خوشحالی بیگانگان و استعمارگران بوده است. اگر چه وقایع اتفاقیه حول زندگی کی لهراس دور می زند ولی مردانی همچون کی لهراس در تاریخ مردم بویراحمد کم نبوده اند. قهرمانانی که گاهاً خوراکشان طی چند شبانه روز یک گره کگل (یک مستی از نان بلوط) بود ولی همچون کوه استوار، همچون عقاب سبکبال و مثل رود خروشان بودند و با دشمنان خود می جنگیدند. بی شک تک تک صخره های این سرزمین یادآور حماسه های شگفت انگیزی از این قوم است. قومی که تنها راه مقابله با هر فشاری را دست بردن به ماشه تفنگ و سنگر گرفتن در پشت صخره های کوهستان می دانستند. اما همواره یک سؤال باقی می ماند که خواننده خود باید پاسخ آن را بیابد. در این سرزمین کوچک کوهستانی حکومتگران به دنبال چه چیزی بودند؟ در سرزمینی که حداقل در آن موقع نه معادن کشف شده ای

داشت و نه موقعیت استراتژیکی و مرزی مهمی، به دنبال چه بودند؟ و چرا همواره یکی از مهمترین اهداف خود را نابودی چنین قوم به ظاهر کوچک در سرزمینی چنین کوچک و سنگلاخی می دانستند؟ ۱۳۶۶/۸/۲

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

## دلیران بویراحمد

تاریخ این مرز و بوم یادآور حماسه های مردان و انسان های آزاده ایست که در برابر تمامی ستم ها و ظلم های زمانه های دور و نزدیک قیام نموده و سر تسلیم فرود نیاورده اند، هر چند که نوع قیامها و نحوه مبارزات با هم متفاوت بوده اما به جهت ضد استبدادی آنها دارای وجه مشترک می باشند، و نقش اساسی آنها بر مبنای آزادی خواهی و مبارزه با فساد و ستمگری بوده است، که این جزء خصائص و زندگی روزمره مردم محروم این گوشه از مملکت ایران می باشد. مردمی که با تمام ناملایمات روزگار دست و پنجه نرم کرده و به فقر و بیچارگی روزگاری بس دراز را طی دورانیهای متمادی گذرانده و در هر حال چون کوهی استوار در برابر همه حکومت‌های استبدادی از تیمور لنگ تا محمدرضا پهلوی ایستادگی نموده و با عزت و شرف زیسته اند. این جماعت متعصب را دو چیز نیروی مقاومت و از خودگذشتگی بخشیده است.

اول اعتقادات دینی و وابستگی روحی و قلبی آنها به دین حیاتبخش اسلام و دوم حفظ اصالت‌های انسانی که در وجود عشایر این مرز و بوم از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است و باعث عزت و سربلندی آنها می باشد. حال به وصف دو جنگ دلیرانه مردم این خطه دلاور خیز در برابر حکومت دیکتاتوری رضا خان میر پنج می پردازیم.